

بررسی نقش زنان در احیای تمدن اسلامی در حوزه فرهنگی-اجتماعی عصر آل بویه  
جمیله میرزاخانی<sup>۱</sup>، حسین خسروی<sup>۲</sup>، سهراب اسلامی<sup>۳</sup>

### چکیده

حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی عامل مؤثری در توسعه نفوذ شعائر و احکام اسلامی و مدیریت فرهنگی و اجتماعی عصر آل بویه در ایران است. این حضور و نقش آفرینی در ابعاد مختلف تمدن اسلامی- شیعی و نتایج آن با ویژگی‌های منحصر به فردی همراه بوده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی نقش زنان در احیای تحولات تمدن اسلامی- شیعی عصر آل بویه انجام شد. بدین منظور منابع مربوطه اعم از مقالات، کتب و منابع تاریخی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. با بررسی‌های انجام شده، پژوهشی که موضوع مطالعه حاضر در آن بررسی شده باشد، یافت نشد. نتایج نشان داد که زنان شیعی تحت تعالیم اهل بیت (ع) و بزرگان امامیه به ویژه با عنایت به ویژگی تعلیمی- تبلیغی آموزه‌های شیعی در مراکز علمی، اجتماعات، مساجد و کانون‌های خانوادگی، نقش مهمی را در تحولات تمدن اسلامی این دوران ایفا کردند، چنان‌که جامعه از توانمندی‌های ایشان به ویژه در عرصه علمی- فرهنگی و برای تقویت هویت شیعی، توسعه نشر معارف دینی، نهادینه کردن فرهنگ اسلامی- شیعی و دگرگونی‌های مختلف جامعه آن عصر بهره گرفت.

واژگان کلیدی: آل بویه، زنان عهد آل بویه، تمدن اسلامی، تحولات فرهنگی-اجتماعی.

نوع مقاله: مروری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران.

Email: ellahe\_haydar@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: hkhosravi88@gmail.com

۳. استادیار گروه معارف، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران.

Email: s\_eslami@iau\_arat.ac.ir

## ۱. مقدمه

تمدن اسلامی در زمانی کوتاه به‌ویژه در دوران طلایی حکومت عباسی با اهتمام و نقش آفرینی مردان و زنان شیعی در مناطق تحت حکومت آل‌بویه (جعفری و محمدی، ۱۳۹۷؛ فقیهی، ۱۳۶۶؛ نحوی، ۱۳۸۱؛ کاهن، ۱۳۸۳) در قرن چهارم هجری در نقاط تحت حاکمیت این خاندان گسترش یافت. در این دوره فعالیت حوزه‌های مختلف علمی-پژوهشی امکان عرضه معارف شیعی در صحنه رقابت میان مذاهب مختلف اسلامی، تقویت حضور شیعیان از جمله زنان در فعالیت‌های مختلف علمی، فرهنگی و ارائه خدمات اجتماعی و مطالبه حقوق مدنی آنها را میسر کرد (میرزا قمی، ۱۳۷۱) و زمینه اقبال عمومی به معارف و افزایش منزلت اجتماعی را به‌دنبال داشت (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶). در عصر آل‌بویه به پیروی از اسلام و سنت، شخصیت از دست‌رفته زنان احیا شد و زنان مانند نیمی از بیکره جامعه در تحولات و گسترش تمدن اسلامی-شیعی گام برداشتند.

بحث و بررسی نظری نقش و جایگاه زنان در گسترش تمدن اسلامی در ابعاد فرهنگی-علمی و حوزه‌های اجتماعی بدین دلیل مهم و ضروری است که نقش آفرینی زنان در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی عصر آل‌بویه در منابع و اسناد تاریخی به‌طور منسجم بررسی نشده است. این درحالی‌است که بقا، استمرار و تحکیم پایه‌ها و بنیان‌های حکومت دینی به کیفیت و میزان مشروعیت و مقبولیت آن در میان اندیشمندان از سویی و عامه مردم از سوی دیگر وابسته است. از این‌رو، در عصر طلایی عباسیان با ظهور حکومت آل‌بویه به‌عنوان حکومتی شیعی در ایران با توجه به عوامل قدرت‌یافتن آل‌بویه که حکومت مستقل شیعی بود باید به این مهم پرداخته شود که زنان نقش‌آفرین در این دوره براساس پیش‌زمینه‌های علمی-فرهنگی و اسلامی-شیعی آل‌بویه توانستند در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی تمدن اسلامی ایفای نقش کنند و در توسعه تمدن اسلامی شیعی حکومت آل‌بویه در ایران عصر عباسیان سهیم باشند. هاجسن<sup>۱</sup> (۱۹۷۴) معتقد است که مطالعه نقش آفرینی زنان در حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی در سرزمین‌های اسلامی از جمله

---

۱. Hodgson

ایران عصر آل‌بویه تنها مطالعات ادبی و لغت‌شناختی کافی نیست و باید مطالعات اجتماعی، تاریخی و پژوهش‌های تمدنی در مورد اسلام و تاریخ مسلمانان از جمله نقش آفرینی زنان در تمدن اسلامی را جدی گرفت. در مورد نقش و جایگاه زنان در گسترش تمدن اسلامی در عصر آل‌بویه مطالعات چندانی وجود ندارد، فقط در برخی تحقیقات به طور اجمال به این موضوع اشاره شده است (ر.ک.، نرگسی، ۱۳۸۲؛ ریاحی، ۱۳۸۵؛ بیانی، ۱۳۸۶؛ شریفی، ۱۳۸۹؛ مفتخری و سجادی ۱۳۹۱؛ وطن‌خواه، ۱۳۹۴؛ میردامادی، ۱۳۹۵).

تمدن کلمه‌ای عربی، در لغت به معنای شهر و شهرنشینی و هم‌خانواده آن، مدینه و مدنیت (لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین ذیل کلمه تمدن)، کشیدن و فرهیختن است. تمدن از بین نمی‌رود بلکه تغییر و تکامل پیدا می‌کند. (آریان‌پور، ۱۳۸۸) هنری لوکاس در دیباچه کتاب تاریخ تمدن، تمدن را پدیده‌ای درهم‌تنیده می‌داند که تمام رویدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد (لوکاس، ۱۳۸۲). تمدن پژوهانی مانند آلفرد وبر تمدن را با کارکردهای عینی، فنی و اطلاعاتی جامعه یکی می‌دانند (آشوری، ۱۳۸۰). نوربرت الیاس، تمدن را در پیوند با جلوه‌های بیرونی زندگی انسان می‌داند (کریمی‌قهی، ۱۳۸۶)؛ اوسوالد اشپنگلر یکی از طرف‌داران این تفسیر است (روح‌الامینی، ۱۳۹۴). با توجه به تمام مبانی مورد اتفاق از واژه تمدن، باید گفت که تمدن بدون فرهنگ پویا نه پامی‌گیرد و نه می‌پوید؛ تمدن بدون مبنا و زمینه قبلی پدید نمی‌آید و مبنای تمدن و نیروی حرکت‌دهنده آن، فرهنگ است. فرهنگ، جامعه را پیش می‌برد، به آن اوج می‌بخشد و به مرحله‌ای می‌رساند که با یک رخداد، یک جرقه و یا یک تکان شدید، تمدنی از دل خاک سربرمی‌آورد. فرهنگ، هویت‌بخش تمدن‌ها و وجه متمایزکننده آنها از یکدیگر است؛ یعنی این فرهنگ است که به مبنای قضاوت انسان‌ها درباره تمدن شکل می‌دهد (ابراهیم‌نژاد و پورعباس، ۱۳۹۶).

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

### ۲-۱. خلافت عباسیان و آل‌بویه

عصر خلافت و حکومت بنی‌عباس (۱۳۲ق-۶۵۶ق) از مهمترین سلسله‌های خلافت اسلامی است که بیش از پنج قرن یعنی، نزدیک به ۵۲۴ سال بر بیشتر مناطق اسلامی دوام داشت، با ابوالعباس سفاح آغاز و با مرگ مستعصم به دست مغولان، منقرض شد. خلافت عباسی با توجه به تغییر و تحولات سیاسی به دوره‌های مشخصی تقسیم شده است: دوره اول از سال ۱۳۲ تا ۲۳۲ که دوران نیرومندی، گسترش و شکوفایی عباسیان بود. با خلافت ابوالعباس سفاح آغاز و با خلافت واثق پایان یافت. دوره دوم با نفوذ ترکان و خلافت متوکل آغاز و در خلال حکومت مستکفی پایان یافت (از سال ۲۳۲ تا سال ۳۳۴). دوره سوم که همزمان با ظهور حکومت آل‌بویه در سرزمین‌های تحت حکومت عباسی، نقطه عطف سیاسی در روابط ایران و بغداد و آغازی بر ورود خلفای عباسی است که به دوره ضعف سیاسی و از دست دادن اقتدار معنوی و دنیوی خلافت معروف است. (طبری، ۱۳۶۳، ۶۷/۲)

پس از دوران نفوذ آل‌بویه (سال‌های ۳۳۴ تا ۴۴۷) که در زمان خلافت قائم پایان پذیرفت جنگ‌ها، شورش‌ها، قحطی و گرانی، مرکز خلافت را تهدید می‌کرد. (ابن‌اثیر، ۱۹۶۷، ۴۳/۲؛ عمادزاده، ۱۳۷۵) در این دوره، آل‌بویه قدرت یافت، زمام کشورهای اسلامی در عراق و ایران دست ایرانیان بود و به نفع اهل بیت (ع) و اولاد حضرت علی (ع) قدم‌های بلندی برداشته شد (انصاری‌پور، ۱۳۹۴). این خاندان از دیلم در لاهیجان گیلان برخاسته بودند و در بخش مرکزی، غربی و جنوبی ایران و عراق فرمانروایی می‌کردند (ابن‌مسکویه، ۱۳۷۹؛ هربرت، ۱۳۹۰). دیلمیان از دیرباز به علت شجاعت و مهارت‌های جنگی در شاخه نظامی ایران سرآمد بودند. کارآمدی در بخش نظامی، آنها را در تسلط بر قلمروی وسیعی از جهان اسلام یاری کرد چنان‌که در ادامه تسلط آل‌بویه بر خلفای عباسی و تضعیف آنها، زمینه بازگشت به قدرت را برای ایرانیان و شیعیان فراهم کرد (ابن‌اثیر، ۱۹۶۷، ۷۳/۱).

تسلط آل‌بویه بر بغداد، ضعف خلفای عباسی را که از چندین دهه پیش آغاز شده بود، آشکار کرد. «از آن پس خلفا را جز لوا و منشورفرستادن و خلعت‌دادن و پاسخ پادشاهان

اطراف کاری نماند» (مجمل التواریخ و القصص، بی تا). قدرت آل بویه که ترازوی حکومت و جامعه اسلامی را به طرف تشیع سنگین تر کرده بودند و درصدد تلفیق آداب ایرانی و دیانت اسلامی از نوع شیعی بودند هم‌زمان با بغداد در ایران نیز ضعیف شد. نبود یک حکومت واحد، آنها را با نابودی روبه‌رو کرد چنان‌که محمود غزنوی در سال ۴۲۰هـ ق بر ری یعنی، مرکز شاخه جبال آل بویه مسلط شد و به پیروزی خود بر آل بویه رنگ مذهبی بخشید و آن را جنگ با الحاد و پیروزی بر ملحدان نامید. او در نامه‌ای که به خلیفه القادر بالله نوشت، مجدالدوله و اطرافیانش را باطنی خواند (مجمل التواریخ و القصص، بی تا).

## ۲-۲. تعلیم و آموزش زنان در دوره پیش از آل بویه

قرآن کریم با کمال صراحت در آیات متعدد، زنان را از جنس مردان و از سرشتی مانند سرشت مردان معرفی می‌کند. اسلام، نقش زن بر روی زمین را فقط زاییدن نوزاد نمی‌داند بلکه او بایسته و قادر است که همان اعمال خوبی را که مردان انجام می‌دهند، انجام دهد. پیامبر (ص) نه تنها خودش معارف آموخته از جانب خدا را بر همسرانش عرضه می‌کرد بلکه مردان دیگر را نیز امر می‌کرد تا چنین روشی را در زندگی با همسر اتخاذ کنند. ایشان به امام علی (ع) فرمود: «فراگیر و به خانواده‌ات نیز بیاموز» (مجلسی، ۱۳۷۶، ۲/۱۰۰). محصول این محافل علمی خانوادگی، همسران اندیشمندی هستند که با ایفای نقش مادری و همسری، در جوار پیامبر (ص) یا ائمه (ع) به مقامات رفیع علمی رسیدند (مؤمن و غروی نایینی، ۱۳۹۵) که از جمله می‌توان به ام سلمه، همسر پیامبر (ص)، اشاره کرد که آموخته های خود را به دیگران انتقال می‌داد (موسوی جاجرملی، ۱۳۸۷). برخی از زنان صحابی مانند سلمی، همسر ابی‌رافع نیز روایات پیامبر اکرم (ص) را می‌شنید (سبحانی، ۱۴۱۸هـ ق، ۱۹/۱) و به دیگران انتقال می‌دادند. در ادامه تلاش زنان به دریافت‌های علمی و آموزه های دینی به نظر می‌رسد گرایش‌های جامعه زنان به تصوف و عرفان عملی تاحدی با ذوق ادبی و شعری آنها قابل توجیه است (عزیزی، ۱۳۹۴). ابن خلکان می‌گوید:

مادر حسن بصری که در سده اول هجری زندگی می‌کرد برای زنان داستان‌های دینی تعریف می‌کرد و با سخنان پندآمیز، آنها را

موعظه و ارشاد می‌کرد و این در زمانی بود که پسرش، حسن، به نقل داستان‌های دینی و تشکیل مجالس درس برای مردم می‌پرداخت. (ابن خلکان، ۱۳۹۱، ۴/۱۶۰)

باتوجه به این رویکرد اسلامی است که آموزش در میان زنان مسلمان در طول تاریخ، شیوه رایجی بوده است؛ احمدبن حنبل که خانه خود را به نهادی آموزشی تبدیل کرده بود در آغاز شب در خانه خود برای زنان کلاس جداگانه‌ای داشت. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۱هـ.ق، ۴۳۵/۱۴) ازاین‌رو، تمدن و فرهنگ اسلام برپایه تلاش مسلمانان اندیشمند و مروجان آیین نبوی به اوج رسید و در این تلاش‌ها زنان نیز سهیم بودند چنان‌که در دوره مورد بحث یعنی، عصر آل‌بویه نیز می‌توان شاهد پویایی و فعالیت این قشر در حوزه‌های مختلف بود.

### ۲-۳. دانش، فرهنگ و تمدن در عصر آل‌بویه

تمدن اسلامی در عهد آل‌بویه ویژگی ممتازی داشت و آن، برپایی مبنایی استوار برای پیشرفت علوم در همه رشته‌ها با تلاش مردان و زنان مسلمان بود. بر همین اساس، در عصر آل‌بویه تمدن اسلامی-شیعی در ایران گسترش یافت. این گسترش به زمینه‌های مختلفی مانند حمایت حاکمان آل‌بویه از این تمدن و اندیشمندان آن چون سید مرتضی، شیخ طوسی و ابن جنید اسکافی و گسترش مراکز علمی وابسته بود (نحوی، ۱۳۸۱). در دوره آل‌بویه کتابخانه‌های شیراز، ری و اصفهان نیز که به‌وسیله دولت مردان آن بنا شد تحسین جهانیان را برانگیختند. مشهور است که ابن‌سینا نزد شمس‌الدوله جایگاه و مقامی عالی در حد وزیر داشت (کاهن، ۱۳۸۳). حضور فعال و گسترده دانشمندان بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری در دربار آل‌بویه و فراهم کردن امکانات علمی و رفاهی برای آنها گواه راستینی بر نقش مؤثر این خاندان شیعی در به‌ثمررساندن رنسانس اسلامی است (مدرسی، ۱۳۷۹). در این دوره علاوه بر علمای علوم دینی، می‌توان به جغرافی‌دانی مثل استخری، ریاضی‌دان همچون ابوالوفای بوزجانی، پزشکان برجسته‌ای مثل مجوسی و نسوی که اعداد هندی را رایج کرد، اشاره نمود که مورد حمایت آل‌بویه بودند (کاهن، ۱۳۸۳). بنابراین، دوره آل‌بویه

طالایی‌ترین دوران‌ها بعد از زمان پیامبر(ص) برای مسلمانان و تمدن اسلامی بود. مهمترین زمینه پیشرفت مسلمان‌ها و تمدنشان در آن دوره، وجود حاکمانی است که علمای مرد و زن را به رسمیت شناختند، جایگاه ویژه‌ای برای آنها قراردادند و همیشه پشتیبانشان بودند که در پیشرفت علوم و پرورش استعدادها بسیار مؤثر بوده است (کاهن، ۱۳۸۳).

#### ۲-۴. عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی عصر آل بویه

وضعیت فرهنگی و تمدنی جامعه اسلامی در این دوره به گونه‌ای بود که زمینه مساعد در نقش‌پذیری زنان در عرصه‌های مختلف فراهم بود. این زمینه‌ها از سیره نبوی و ائمه معصومین (ع) نشأت گرفته بود؛ زیرا لازمه حکومت شیعی آل بویه، چنین شرایطی را در جامعه برای مردان و زنان فراهم کرده بود.

#### ۲-۴-۱. علاقه‌مندی حاکمان آل بویه به فرهنگ و تمدن اسلامی - شیعی

حاکمان در آغاز دوره آل بویه، درگیر مسائل سیاسی و ایجاد زمینه‌های آرامش و امنیت داخلی بودند. بنابراین، طبیعی بود که علم، چندان رونقی نداشته باشد، ولی با به قدرت رسیدن عضدالدوله به دلیل صلح و آرامش ناشی از حکومت و علاقه وی به دانش، بازار علم رونق یافت و در زمان حکومت فرزندان او هم این گونه بود. (فقیهی، ۱۳۹۰) مهمترین دستاوردهای این دوران در زمینه نجوم، پزشکی و ریاضیات بود که زنان نیز در این عرصه‌ها حضور داشتند. ابوعلی مسکویه انبوهی از اصلاحات و آبادانی‌ها مربوط به روزگار عضدالدوله را برمی‌شمارد: بیمارستانی در شیراز، بیمارستان معروف دیگری در بغداد که برای رونق آنها پزشکان نام‌آوری را به آنجا برد و تأسیسات ممتاز در آنجا نهاد (ر.ک.، مفتخری و سجادی، ۱۳۹۱). امیران و وزیران آل بویه چون بسیاری دیگر از امیران دولت‌های متقارن، فرهنگ و دانش را زینت محافل خود کرده بودند از جمله حکمرانان دانشمند آل بویه، عضدالدوله بود که از اساتید بزرگی چون ابوعلی فارسی، ابوالفضل بن عمید، ابوسلیمان سجستانی، ابوالحسین صوفی و ابن‌علم بهره برد (قفطی، ۱۳۷۱؛ ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ۳۴۱/۶). وی در علوم مختلف مانند ریاضیات و هندسه، هیأت و نجوم، سیاست و مملکت‌داری متبحر بود و در نحو و ادبیات عرب، خود را شاگرد سرآمد نحویان

یعنی، ابوعلی فارسی می دانست و بدان افتخار می کرد (ابن طاووس، ۱۳۶۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۱هـ.ق، ۲۷۵/۷).

۲-۴-۲. حمایت حاکمان آل بویه از دانشمندان، تأسیس کتابخانه‌ها و تألیف کتاب‌ها  
 دوران حکومت آل بویه عصر پیشرفت علم و ادب بود. حاکمان آل بویه علاقه خاصی به اهل علم داشتند و به‌ویژه از شعرا و علمای حکمت استقبال می‌کردند. خدمات علمی، فرهنگی کتاب و کتابخانه در دوره بویهی اوضاع و شرایط سیاسی به‌وجود آمده در جهان اسلام، بستر مناسبی برای رشد و توسعه فرهنگ و دانش در این عصر پدید آورده بود که حاکمان آل بویه در آن، نقش چشمگیری داشتند. حجم عظیمی از کتاب‌هایی که در علوم و فنون مختلف مانند فقه، تفسیر، حدیث، تاریخ، جغرافی، ریاضی، نجوم، طب، فلسفه، کلام و شعر، لغت و... نوشته شده گواه درخشش و بسط و گسترش فرهنگ و علوم و توجه به آن در این برهه از تاریخ است. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۷۴، ۱۰۶/۲)

۲-۴-۳. تسامح و تساهل آل بویه  
 حاکمان آل بویه علاوه بر دستاوردهای تمدنی و فرهنگی با اینکه شیعه مذهب بودند، اما با تسامح و تساهل دینی و مذهبی از افرادی با گرایشات دینی و مذهبی مختلف در بالاترین منصب‌های اجتماعی استفاده کردند. (سجادی، ۱۳۶۷، ۱/۶۲۹) آنها با استفاده از این روش، فضای خوبی را برای نشر افکار و اندیشه‌های گروه‌های مختلف مذهبی از جمله زنان فراهم کرده بودند تا آنها با امنیت به تدوین اصول فقهی و کلامی و فلسفی بپردازند.

۲-۴-۴. تشکیل جلسات مناظره  
 در این دوره، تشکیل مجالس مناظره علمی، کلامی و ادبی در مکان‌های مختلف رونق یافته بود. کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها نیز شاهد برگزاری بسیاری از این مناظره‌ها بود. برخی از بزرگان و دانشمندان، منازل خود را برای تدریس یا مناظره با ارباب مذاهب اختصاص داده بودند. منزل شیخ مفید از جمله این مکان‌ها بود که مناظره‌های شیخ در آن انجام



می‌گرفت. عامل تأثیرگذار بر رونق اندیشه و علوم در حوزه‌های مختلف و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی-شیعی عصر آل‌بویه، حاکمان و وابستگان حکومت و همچنین تشکیلات علمی رواج‌یافته از سوی حکومت، تلاش‌ها و فعالیت‌های علمی وزیران دانشور و با کفایت آل‌بویه و تساهل و تسامح با پیروان دیگر ادیان بوده است. (سجادی، ۱۳۶۷، ۱/۶۳۰)

## ۲-۵. حضور زنان در حوزه‌های مختلف تمدن اسلامی-شیعی

عصر طلایی خلافت اسلامی همراه با گسیختگی سیاسی-جغرافیایی حکومت مرکزی عاملی بود تا آل‌بویه با نفوذ در پایه‌های حکومت عباسی و استقلال‌طلبی در ایران توانست معیارها و اندیشه‌های شیعی را گسترش دهد. در این روند سیاسی، زنان نیز توانستند به عنوان افراد خلاق، نقش‌پذیر و تأثیرگذار باشند. هرچند فعالیت آنها برای همه جامعه زنان آن دوره فراگیر نبود و تنها وابستگان به حاکمیت بودند که توان این تأثیرگذاری را داشتند، ولی زمینه‌های توانمندسازی زنان در پنج حوزه رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل که به معنی توازن قدرت میان زنان و مردان است در جامعه عصر آل‌بویه دنبال شد. (لانگه، ۱۳۷۲) حاکمان آل‌بویه علاقه‌مند به عالمان و دانشمندان بودند که با این دیدگاه به خدمات علمی، فرهنگی به‌ویژه فرهنگ شیعی اهمیت می‌دادند تا اینکه بستر مناسبی برای توسعه علم و تمدن اسلامی که زنان نیز در آن نقش داشتند، فراهم آمد. بررسی گذرا از زندگی‌نامه‌های دانشمندان زن و نقش‌آفرین در گسترش تمدن و فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد که بیشتر آنها از خانواده‌های علما و دانشمندان بودند. همه زنان این بخت را نداشتند که در جلسات درس اساتید بزرگ شرکت کنند، ولی برای زنانی که از بستگان و خویشان استادان و دانشمندان بودند این امکان فراهم بود. برخی معتقدند که زنان مسلمان در سده میانه، خصوصی درس می‌خواندند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۷۴).

## ۲-۶. نقش‌آفرینی زنان در عرصه علمی، فرهنگی و آموزشی دوره آل‌بویه

وضعیت مطالعات و آثار علمی، فرهنگی و آموزشی زنان در عصر آل‌بویه گویای این است که جایگاه ادبیات علمی آنها بهتر از حوزه فقهی است. بنابراین، پررنگ‌ترین چهره تاریخی جامعه زنان را باید در نظام تربیت، شعر، کتابت، انشا، ادب و هنر یافت تا نظام دانش و

فلسفه و نویسندگی. زن در عقلانیت عاطفی و احساسی و هنرهای ظریف، بیشتر از زن در قلمروی عقلانیت فلسفی و دانش و تحقیق و تألیف و نویسندگی جلوه کرده است؛ هرچند زن درباری به اقتضای حال و ضرورت، گاهی حضور تامی در میدان سیاست داشت. (براهنی، ۱۳۶۰)

با نگاهی به دوره‌های مختلف تمدن اسلامی در ایران به‌ویژه دوره آل‌بویه روشن می‌شود که حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و سیره پیشوایان معصوم (ع) و از مهمترین و مؤثرترین عوامل در توسعه نفوذ شیعیان در عرصه مدیریت اجتماعی بود. زنان شیعی تحت نظارت و تأیید اهل بیت (ع) و بزرگان امامیه و خاصیت تعلیمی-تبلیغی آموزه‌های شیعی، نقش مهمی را در تحولات تاریخی این دوران ایفا کردند. در نتیجه، عموم جامعه از توانمندی و ظرفیت‌های زنان به‌ویژه در عرصه جهاد فرهنگی و برای تقویت هویت شیعی، توسعه مناسبات اجتماعی، نشر معارف دینی، نهادینه‌کردن فرهنگ انتظار و حضور مؤثر در دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی بهره گرفتند. (سعیدیان جزئی، ۱۳۹۶) زنان شیعی جایگاه مهمی در این رویکرد داشتند و مشارکت فعال آنها در عرصه‌های اجتماعی بیانگر گرایش به رویکرد نقش اجتماعی و فرهنگی آنهاست. چنان‌که اهتمام زنان شیعی برای پیوند با برخی از دانشمندان امامیه که گرایش اصولی و اجتهادی داشتند حضور فعال در عرصه مبارزات فرهنگی و تلاش برای حراست از مظاهر فرهنگی و تمدنی شیعی بیانگر سطح رشد معرفت اجتماعی شیعیان و مواجهه صحیح با مقوله غیبت و انتظار در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان است. زنان در دوره آل‌بویه با تأثیر تدبیر آگاهانه و مدبرانه بر تربیت در خانواده‌های شیعی نقشی فعال داشتند چنان‌که گروهی از کسانی که منتسب به علویان و شیعیان بودند به‌عنوان زوج صالح یا زنان مؤمنه شهرت تاریخی یافتند. از جمله می‌توان ام کلثوم بنت ابی‌جعفر، محمدبن عثمان عمری (پدر وی)، محمدبن عثمان عمری (دومین نایب خاصه حضرت ولی‌عصر (عج)) و فاطمه علوی (مادر سید رضی و سید مرتضی) را نام برد (سعیدیان جزئی، ۱۳۹۶). در عصر آل‌بویه مساجد و منازلی بودند که در آن اندیشمندان

مرد و زن شیعی به نشر فرهنگ و آموزه‌های دینی مشغول بودند. در دیباچه کتاب /دب المعلمین ابن‌سحنون آمده است:

بارها پدر به دختران خود در خانه درس می‌دهد. ابن‌مسکین عادت در نشستن به تدریس شاگردان تا نماز عصر داشت و آن‌گاه دو دختر برادر و نوه‌هایش را فرامی‌خواند و به آنها قرآن و دانش دیگر می‌آموخت. اعشی، شاعر نامی، به دخترش درس می‌داد تا اینکه زنی دانشمند شد و چنان ذوقی یافت که شعرهای تازه سرود و پدر را به نقد می‌کشید. (سعیدیان جزئی، ۱۳۹۶)

تحصیل و تدریس زنان و مشارکت آنها در عرصه‌های علمی و فرهنگی یکی از ویژگی‌های برجسته حکومت آل‌بویه بود. عایشه ورکانیه معروف به ام‌الحسن (۴۶۰ هـ.ق) یکی از زنان برجسته بود. وی از مشهورترین علما، دانایان و واعظان عصر خویش است و به نوشته سمعانی، جماعتی از مردان و زنان زمان او حضور وی را درک کرده‌اند و بسیاری از این افراد از شهرها و مناطق دیگر راهی مجلس درس او شده‌اند. از جمله می‌توان در بین آنها به ام‌الرضا یا ضوء (دختر حمدبن علی حبال)، ابوالعز حسن بن هادی علوی و ابومنصور حسین بن طلحه صالحانی اشاره کرد. (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱، ۵/۵۹۲) ام‌الکرام اصفهانی معروف به فخرالنساء نیز از زنان عالم و دانشمند در آن دوران بود (ریاحی، ۱۳۸۵). وی دختر ابوالفضایل اسعدبن قاضی اصفهانی از خاندان حدیث و فقه بود که ابن قولویه از او حدیث شنید (سمعانی، ۱۳۹۵).

زنان شیعی نقش مهمی در ثبت و ضبط میراث علمی و عملی اهل‌بیت (ع) و انتقال نمادهای فرهنگ دینی به جامعه داشتند. از این نمونه می‌توان به مشارکت زنان در نشر دعاها و زیارات منسوب به اهل بیت (ع) اشاره کرد. این آثار نقش مهمی در اصلاح فردی و سلامت معنوی جامعه داشت. حضور زنان در این زمینه بیشتر قابل توجه است؛ زیرا در این دوره برخی زنان با حفظ نقش برجسته مادری در نقش اجتماعی خود، بیشترین استفاده از ابزار شامل احتجاج، خطابه، مرثیه و شعر را داشتند. از زنانی که این ابزار را برای دفاع از حقانیت اهل بیت (ع) و ارشاد عمومی به‌کار می‌بردند و در چارچوب مبارزات

فرهنگی به افشای سیاست‌های ظلمه و مقابله با جریان‌های انحرافی می‌پرداختند، می‌توان از مادرین ادریس حلی و والده ابن‌ورام که در این دوره بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند، یاد کرد. (نوری، ۱۴۰۸) این دو افزون بر انجام نقش مادری و همسری در مبارزات فرهنگی با دشمنان اهل بیت (ع) حضور داشتند و همسران خود را در این عرصه یاری می‌دادند (طبرسی، ۱۴۲۰هـ.ق).

فاطمه بنت ابی محمدحسن (حسین) علوی از نوادگان ناصر اطروش (ناصر اطروش از سادات حسینی و از شاگردان و مریدان امام عسکری (ع) است) نیز از جمله این زنان است. وی سرانجام در سال ۳۰۴ هجری در شهر آمل از دنیا رفت. مهمترین وجه شهرت این بانوی علوی به دلیل آن است که وی مادر سید رضی و سید مرتضی بوده است. ایشان در خانواده‌ای محترم و شریف متولد شد و در سنین جوانی با ابوالحسن محمدبن ابی احمد علوی ازدواج کرد و افزون بر تربیت فرزندان موفق و پشتیبانی از همسرش به ارشاد مردم نیز همت ورزید. این بانوی علوی، علوم دینی و فقه را از محضر پدر و دیگر شخصیت‌های بنام آن زمان فراگرفت و شاگردان بسیاری تربیت کرد. (نوری، ۱۴۲۰هـ.ق) دو دختر ایشان، خدیجه و زینب، از اهالی علم و فضیلت بودند (ابن خلکان، ۱۳۹۱، ۲/۲۰۷). سیدمرتضی فرزند دیگر ایشان بر نقش مادر خود تأکید دارد؛ زیرا یکی از عوامل موفقیت وی، مادرش بوده است. به نظر می‌رسد علت تأکید سید مرتضی بر این مسئله به واسطه نقش مادر در دوران کودکی و نوجوانی آنها و تصمیمی مهم بود که او برای آموزش و تعلیم فرزندان گرفت. حضور این مادر در خانواده و صبر و متانت و پرهیزگاری وی در رویارویی با این موضوع از سویی و به‌ویژه اقدام وی در انتخاب استادانی مبرز و نمونه برای امر تعلیم فرزندانش نقش مهمی در رشد و بالندگی سیدرضی و سیدمرتضی ایفا کرد. سوگواری و مرثیه‌هایی که در رثای این بانوی علوی سروده شده بیانگر اهمیت و اعتبار وی در خانواده و جایگاهش در نزد معارف شیعی است (سیدمرتضی، ۱۴۰۵هـ.ق). نمونه دیگر، اهتمام دختر سیدمرتضی در انتقال بخشی از سخنان امام علی (ع) است (قیومی اصفهانی، ۱۳۹۴).

برخی از زنان شیعی که در آغازین سده عصر غیبت در عرصه فراگیری علم و تلمذ در محضر بزرگان و رجال شیعه فعالیت داشتند عبارتند از: ام‌کلثوم (بنت ابی‌جعفر محمدبن عثمان عمری) که اخبار متعددی را از قول پدرش (محمدبن عثمان عمری دومین نائب خاصه حضرت ولی عصر (ع)) درباره ناحیه مقدسه و پیشوایان معصوم (ع) نقل می‌کند. (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳) فاطمه علوی، مادر سیدرضی و سیدمرتضی، که محضر بزرگان امامیه مانند شیخ مفید را درک نمود و برخی از آموزه‌های شیعی به واسطه او در جامعه شیعی نشر یافت (نوری، ۱۴۰۸هـ.ق). سیدمرتضی دو دختر داشت که از زنان فاضله و عالمه عصر خود بودند. درباره نام این دو خبری در دست نیست. یکی از آنها نزد عمویش، سیدرضی، تلمذ کرد و از جانب ایشان اجازه نقل حدیث یافت و یکی از راویان نهج‌البلاغه بود (نوری، ۱۴۰۸هـ.ق). دختر صاحب‌بن‌عباد، وزیر بویهیان از دیگر زنان شیعی است که پدرش برای رشد و تربیت وی بسیار تلاش کرد (صدرحاج سیدجوادی، ۱۳۸۳). از دیگر زنان دانشمند و عالمه شیعی که به‌ویژه مورد توجه منابع رجالی قرار گرفته‌اند، می‌توان به دختران شیخ طوسی و سیدبن طاووس اشاره کرد (صدرحاج سیدجوادی، ۱۳۸۳).

## ۲-۷. نقش زنان در عرصه اجتماعی دوره آل‌بویه

با نگاهی به دوره‌های مختلف تمدن اسلامی در ایران به‌ویژه دوره آل‌بویه روشن می‌شود که حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و سیره پیشوایان معصوم و از مهمترین و مؤثرترین عوامل در توسعه نفوذ زنان در عرصه مدیریت اجتماعی بود. (سعیدیان جزئی، ۱۳۹۶) تأثیر نقش زنان در حوزه‌هایی چون میزان فعالیت آنها بر باروری، تقویت کانون خانواده و بقای کودکان در متون فکری اسلامی بازمانده از دوران رسول گرامی اسلام (ص) و امام علی (ع) مورد توجه بوده است. بنابراین، در بخش‌هایی از عصر حاکمیت آل‌بویه در ایران آنچه مورد توجه قرار گرفت بازگشت نگاه قرآنی

به انسان است که به نقش زنان توجه قابل ملاحظه‌ای شده است به طوری که علاوه بر نقش های ذاتی، نقش‌های اجتماعی به زنان داده شده است که در نوع خود بی‌نظیر هستند و اسوه‌های زیادی دارند و در تاریخ اسلام هم قابل تأمل است (زهانی و حسن‌زاده، ۱۳۹۳).

سیر تحول اجتماعی و فرهنگی در دوره آل‌بویه در سرزمین و جامعه ایران و نقش زنان در این تغییر و دگرگونی و تأثیر آنها در فرهنگ و تمدن این عصر نشان می‌دهد که زنان در صحنه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و ادبی حضور داشته‌اند. در این دوره، زنان نقش تاریخی-اسلامی خود را نشان دادند چنان‌که زن شیعه‌ای به نام ملکه حره ۵۰ سال حکومت کرد. وی به عنوان زنی مقتدر در ابعاد مختلف در جریانات اجتماعی و اصلاح امور، ده سال در کنار همسر فرمانروایی کرد و ۴۰ سال بعد از وی حکومت را اداره کرد و سیطره دولتش را به مکه و مدینه هم ارتقا داد (جان احمدی، ۱۳۹۴). از این رو، در دوره آل‌بویه در امتداد حضور زنان در مساجد به فعالیت‌های مختلف فراخوان شده بودند تا نه تنها کارکرد فرهنگی-عبادی را پیش ببرند بلکه مسائل سیاسی-اجتماعی را نیز دنبال کنند. در میان زنان شیعی افرادی بودند که با درایت از طریق اصول، روابط سیاسی و قدرت مداری حاکم، به امور اجتماعی پرداختند. از جمله آنها می‌توان از سیده خاتون نام برد؛ سیده خاتون توانست در راه گسترش تمدن اسلامی و تقویت بنیان شیعی گام بردارد. (حسن زاده و میرعلی، ۱۳۹۴) وی در شناخت و به‌کارگیری اصول سیاست و پایبندی به تعهدات اخلاقی و اجتماعی اهتمام ورزید (حسن‌زاده و میرعلی، ۱۳۹۴). اگر بازماندگانش تجارب درخشان وی را در نحوه مدیریت امور به‌کار می‌گرفتند، چه بسا آینده حکومت آل‌بویه روشن‌تر می‌شد. سیده ملکه خاتون با عملکرد مثبت، تغییر چشمگیری در سنن جامعه زمان خویش ایجاد کرد و تعجب همگان را برانگیخت. وی که به علو دانش نیز اهمیت می‌داد خدمات فرهنگی مختلفی مانند انتخاب استادان صاحب‌نام و عالم، احمدین فارسی همدانی عالم لغوی، برای فرزندش مجدالدوله انجام داد. سیده خاتون علاوه بر مسائل سیاسی، چون مادری دلسوز زمینه آموزش‌های مذهبی و علمی را برای فرزندش مجدالدوله فراهم کرد. مجدالدوله با کیاست و درایت مادر در محضر استادان دانشمند و شیعه‌مذهب

از فلسفه و کلام بهره گرفت (بیهقی، ۱۳۵۸). بوعلی سینا، دانشمند و فیلسوف نامی ایران، نیز مدتی از عمرش را نزد سیده خاتون و مجدالدوله گذراند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۴).

در لابه‌لای گزارش‌ها و روایات موجود در متون مختلف اسلامی درباره بیان منزلت اجتماعی زنان شیعی و انتساب رجال امامیه به آنها ذکری از زنانی می‌شود که نامشان در فهرست هیچ‌کدام از طبقات رجالی نیست، اما افراد منتسب به آنها مشهور و مورد اعتبار مجامع حدیثی و روایی هستند. (ابن طاووس، ۱۴۱۷هـ.ق؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۵هـ.ق) این مهم بیانگر اهمیت نقش زنان شیعی در تربیت بزرگان شیعی است و از سویی حامل اشاراتی درباره مقدار سلامت معنوی و توسعه معرفت اجتماعی در بین شیعیان به واسطه حراست و پاسداشت از مقام و منزلت زن است. بنابر آنچه گفته شد این نکته قابل توجه است که در دوره آل‌بویه و در پرتو تعالیم اسلام، زن نه تنها از وضعیت فجیع دوره‌های قبل نجات یافت بلکه برای زن شخصیت حقوقی مستقل نیز ایجاد شد. از این دوره به بعد بسیاری از زنان با پیدا کردن شخصیت حقوقی مستقل به فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی اقدام کردند. درحالی‌که در جامعه عصر عباسی که زنان از ورود به مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی حتی در درون حرمسرا منع می‌شدند و مردان بر زنان حکومت می‌کردند، زنانی هم دیده می‌شوند که با وجود نادیده‌انگاشته شدن، صاحب خرد، رأی و تدبیر بودند و در بطن جامعه حضور داشتند.

## ۲-۸. زنان و احیای تمدن نوین اسلامی در مساجد دوره آل‌بویه

سیره نبوی در مبارزه با جهل و بی‌سوادی زنان و مردان است و برای دستیابی به این هدف، مسجد در جامعه اسلامی صدر اسلام تنها محل عبادت نبود بلکه مرکزی برای تبلیغ آیین اسلامی، بیان احکام، تفکرات سیاسی، انتقال فرهنگ اسلامی و جایگاهی برای رفع مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی بود. بنابراین، مسجد به‌عنوان کارآمدترین نهاد دینی اسلام در تداوم حیات اجتماعی، سیاسی و گسترش مبانی علمی، فرهنگی و به‌طورکلی پایگاه ساخت تمدن اسلامی بود که در تحولات جامعه مسلمانان به‌ویژه ایرانیان دوره آل‌بویه نقش محوری ایفا کرده و به‌عنوان نهاد تأثیرگذار در ساخت و تغییر قدرت، عمل

کرده است. (مفتخری و سجادی، ۱۳۹۱) در عصر آل‌بویه تجمع گروه بسیاری از مسلمانان از جمله زنان در مساجد، مورد توجه بود و نیز گردهمایی عالمان زن و مرد در این اماکن مورد احترام بود. بنابراین، مهمترین کانون پرسش، مناقشه و مناظرات علمی نیز بود. فضای سیاسی- مذهبی این دوره نیز بیش‌ازپیش بر این مباحث دامن می‌زد و هم از آن تأثیر می‌پذیرفت. در عصر آل‌بویه، تعالیم اسلامی برای ایجاد توان فکری و کمک به فهم مسائل، پرسش و مناقشه خطیبان و سخنرانان و یا اساتید و طلاب در مساجد به‌ویژه برای قشر زنان اهمیت بسیاری داشت که این امر رفته‌رفته به یک سنت تاریخی تبدیل شد (ابن خلدون، ۱۳۵۹).

زنان در دوره آل‌بویه توانستند به‌عنوان نیروهای اطلاع‌رسانی و تبلیغی شیعی در مساجد ایفای نقش کنند. می‌گویند هرگاه لازم بود مردم و به‌ویژه زنان از امری آگاهی یابند به حضور در مساجد دعوت می‌شدند. هنگامی که بیشتر اهالی شهر و به‌ویژه زنان در مسجد گردمی‌آمدند، انتقال اطلاعات و یا کار تبلیغی انجام می‌شد و این رسم و سنتی متداول بود. (فقیهی، ۱۳۹۰) در دوران حکومت آل‌بویه مردم و از جمله زنان در قبال ظلم و ستمی که نسبت به حقوق شخصی یا فرقه‌ای مذهبی آنها از سوی سلاطین و کارگزاران حکومتی صورت می‌گرفت، به‌صورت انفرادی و یا گروهی از طریق مساجد، ندای حق طلبی و دادخواهی سر می‌دادند. اقدامات مذکور اگرچه ممکن بود نتیجه عینی نداشته باشد از نظر تنویر افکار عمومی و رساندن صدای مظلومیت آنها و نیز افشای مظالم کارگزاران حکومتی نتایج شگرفی داشت، به‌گونه‌ای که می‌توان در بررسی علل ضعف و سقوط دولت آل‌بویه بدان توجه کرد. جالب اینجاست که برخی از عدالت‌خواهان و معترضان با وجود وقوف به عدم توفیق در اعتراضات سیاسی و نیز عدول‌نکردن حکومت از مواضع خویش به چنین حرکتی در مساجد دست می‌زدند که قدرت آل‌بویه شیعی مذهب و حاکمیت آنان در این امر بی‌تأثیر نبود (ابن‌اثیر، ۱۹۶۷، ۱۳/۵۵۸۴). استفاده از حضور مردم و زنان در این تجمعات در مساجد به عنوان پناهگاه و هنگام حوادث بی‌تأثیر نبود



چنان‌که در حوادث سیاسی قرن پنجم و تهاجم گسترده غزان نیز کارکرد اجتماعی مسجد در ایجاد پناهگاه برای مردم گزارش شده است.

در دوره آل‌بویه در امتداد حضور زنان در مساجد به فعالیت‌های مختلف دعوت می‌شدند تا نه تنها کارکرد عبادی را پیش ببرند بلکه مسائل سیاسی-اجتماعی را نیز دنبال کنند. مصادیق و شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که در سلوک بزرگان امامیه به‌ویژه در دوره حکومت آل‌بویه به مسئله زن و جایگاه آن در جامعه توجه ویژه شده است. تألیف آثار وزین علمی در باب النساء، اهدای برخی از کتاب‌ها به زنان فرهیخته، برگزاری جلسه‌های علمی با حضور زنان، تعلیم فنون تبلیغ، حمایت از مبارزات فرهنگی زنان در مساجد و واگذاری برخی از مسئولیت‌های اجتماعی به زنان از جمله مصادیق این مدعاست. این امر بیانگر آن است که در این دوره بزرگان شیعی، تبیین مسئله تمدن اسلامی مبتنی بر معیارهای شیعی را بدون در نظر گرفتن نقش نهاد خانواده و جایگاه زنان در فعالیت‌های فرهنگی و اصلاح اجتماع در مراکز فرهنگی از جمله در مساجد امری ناممکن یا بی‌نتیجه می‌دانستند (سعیدیان جزی، ۱۳۹۶). حضور زنان در برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره آل‌بویه و کارکردهای مسجد، این یقین را ایجاد می‌کند که با توجه به کارکردهای مختلف مسجد در این دوره، نیازهای اجتماعی آن روز مردم به‌ویژه زنان که دسترسی به مسجد برای آنها آسان‌تر بود، در کنار نگرش مثبت اجتماعی نسبت به این بنای الهی موجب شد تا مردم مسجد را مهمترین کانون اجتماعی بدانند. این نگرش نوعی واکنش نسبت به واگرایی‌های منتج از کارکردهای سیاسی مسجد و دلزدگی عمومی از اختلافات و هرج و مرج‌های سیاسی-مذهبی منتج از کانون مسجد که در این دوره وجود داشت، تلقی شد. در میان انواع کارکردهای اجتماعی زنان در مکان‌های مورد اطمینان عامه مردم، مسجد سهم و نقش ویژه‌ای برای نظام تعلیم و تربیت و ترقیات علمی-فرهنگی این دوره داشت که باعث شکل‌گیری عصر طلایی تمدن و فرهنگ اسلامی-ایرانی شد. با توجه به ظرفیت ممتاز سیاسی-اجتماعی جامعه آن روز، زنان به‌عنوان رسانه مؤثر اعتراض به سیاست‌های حاکم از سویی و انعکاس اخبار و سیاست‌های حکومتی از سوی دیگر به‌شمار می‌رفتند.

### ۳. بحث و نتیجه گیری

پس از استقرار حکومت اسلامی توسط پیامبر (ص) بر مبنای آموزه‌های اسلامی برگرفته از قرآن و سنت، زنان مانند مردان از ارزش والایی در جامعه اسلامی برخوردار شدند، اما پس از رحلت ایشان انحرافات در جامعه اسلامی پدیدار شد که نقش زنان را در ابعاد گوناگون علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کم‌رنگ کرد. با روی کار آمدن آل‌بویه (۳۲۲-۴۴۷) تاریخ شیعه به‌عنوان ادامه‌دهنده و تجلی اسلام راستین، دوره نوینی را برای زنان در عرصه‌های مختلف ایجاد کرد. اهمیت تحولات تاریخ تشیع در دوره حاکمیت آل‌بویه، پراکندگی و عمومیت آثار موجود و غلبه گرایش‌های فکری و روایی حاکم بر سنت نوشتاری منابع اسلامی تاحدودی بازسازی و بازکاوی نقش و جایگاه زن در دگرگونی‌های اجتماعی این دوره از تاریخ ایران اسلامی را سخت و گاه ناممکن می‌کند. در دوره آل‌بویه زنان با توجه به معیارهای ارائه‌شده در اسلام علاوه بر نقش مادری و همسر داری، توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی-فرهنگی را داشتند. مشارکت در پیشبرد اهداف متعالی و آرمان‌های اجتماعی در نهاد خانواده از مهم‌ترین و مؤثرترین مؤلفه‌های توانمندی زنان شیعی در این دوره بود. زنان شیعی یکی از ارکان اصلی جامعه ایمانی بودند و تدابیر جدی برای مشارکت هوشمندانه این گروه در عرصه‌های فکری-اجتماعی از سوی محافل فرهنگی-اجتماعی عصر آل‌بویه انجام گرفت.

همسو با تدابیر و سیاست‌های آل‌بویه و بزرگان امامیه، بیشترین توجه زنان شیعی معطوف به پاسداشت میراث اهل‌بیت (ع) و تبیین مسائل مختلف فقهی، کلامی، فلسفی و علمی بود و برای تحقق این امر، زنان شیعی با تلاش برای افزایش سطح دانایی دینی و توانمندی‌های اجتماعی در اصلاح و تقویت نگرش دینی شیعیان، مبارزات فرهنگی و مقابله با جریان‌های انحرافی مشارکت فعال داشتند. نتیجه این تلاش آن بود که به‌ویژه در حوزه اجتماعی، افزون بر نشر معارف الهی و تربیت انسان‌های صالح، زمینه‌های مناسبی برای ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی مهم به‌ویژه در تاریخ اجتماعی شیعیان به‌وجود آمد

چنان‌که دوران آل‌بویه دوران سربرآوردن زنان عالم در علوم مختلف دینی و توسعه کتابخانه ها و تألیف کتاب است.

توسعه فرهنگی و تمدنی اسلامی-شیعی در این دوره ارتباط مستقیم با حاکمان آل‌بویه داشت؛ زیرا علاوه بر آنکه این حکومت شیعی مذهب بود، برخی از آنها از اهل دانش و یا دوستدار آن بودند. حمایت‌های امیران آل‌بویه از دانشمندان و روحیه دانش‌پروری آن خاندان، زمینه‌های بالندگی علم در قرن چهارم و پنجم هجری را فراهم کرد. دولت آل‌بویه با اعمال تسامح و تساهل‌گری در اصول کشورداری خود، سهم و نقش عظیمی در خدمت به تولید علم ایفا کرد. از این‌رو، برپایی نشست‌های علمی در دوره آل‌بویه و فراوانی آن، حضور امیران و وزیران در آن مجالس و شرکت دانشمندان و اندیشوران از گروه‌های متفاوت و مخالف، دامنه وسیع موضوعات مورد بحث به‌ویژه موضوعات مربوط به فلسفه و کلام، حاکی از پویایی علم و پویندگی دانشمندان در آن دوره است که زنان نیز سهم قابل‌قبولی در این فعالیت‌ها در مجالسی که بیشتر در مساجد برگزار می‌شد، داشتند. اجتماعات به‌ویژه جمع‌هایی که با حضور زنان در مساجد آل‌بویه برگزار می‌شد یکی از کانون‌های اصلی تبلیغ در آن روزگار بود. از همه مهم‌تر تأیید آنها از سوی مبلغان، روحانیون و علمای بزرگ مذهبی هر شهر تأثیرگذاری بسیاری داشت. برنامه‌های تبلیغ و تأیید آنها در اجتماع و محافل و منابر توسط مبلغین دینی (زن و مرد) در مساجد که به‌عنوان نمایندگان خلیفه مسلمین بودند مسیر قدرت را برایشان هموارتر می‌کرد و پذیرش حکومت، اقتدار و اقداماتشان را در نزد مردم مسلمان مساعد می‌کرد.

زنان در دوره آل‌بویه در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی و تبلیغی فعالیت داشتند. در این‌بین، زنانی حضور یافتند که با معارف دینی آشنایی داشتند و در برخی سطوح علوم اسلامی صاحب‌نظر بودند. بنابراین، زنان در این دوره در زمینه دانش و فرهنگ با فعالیت‌های علمی-اجتماعی خود از طریق تربیت شاگردانی چند و تأسیس مراکز علمی و حمایت از دانشمندان ایفای نقش کردند. آنها با وجود اوضاع اقتصادی نابسامان حاکم بر جامعه و تأثیر منفی آن بر زندگی مردم از فعالیت‌های علمی و مذهبی خود دست برنداشتند، ولی در این دوره معیارهای پیشرفت تمدن و جامعه اسلامی نمود کامل پیدا نکرد؛ زیرا تنها

تعدادی از زنان که وابستگان قدرت بودند توانایی حضور و مشارکت در برنامه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی را داشتند و در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با نشر فرهنگ شیعی تأثیرگذار بودند. زنان مسلمان با الهام از آموزه‌های مذهبی و فرهنگی شیعه و با توجه به جایگاه تعیین‌کننده خود در جامعه اسلامی در تثبیت، تعمیق علوم اسلامی، اشاعه فرهنگ شیعی و احیای تمدن اسلامی تأثیرگذار بودند و در برخی مراحل سرنوشت‌ساز شدند.

### فهرست منابع

۱. ابراهیم‌نژاد، محمدرضا، و پورعباس، محمد (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم تمدن نوین اسلامی با رویکرد معناشناختی. نشریه تمدن‌های نوین اسلامی، (۱۱)، ۱۳ - ۵۹.
۲. ابن اثیر، عزالدین (۱۹۶۷). *الکامل فی التاریخ*. مترجم: آذیر، حمیدرضا. بیروت: دارالکتاب العربی. تهران: اساطیر.
۳. ابن اسفندیار، محمدبن حسن (۱۳۸۹). *تاریخ طبرستان*. مصحح: اقبال، عباس. تهران: اساطیر.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹). *مقدمه ترجمه محمد پروین گنابادی*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. ابن خلکان، ابی‌عباس شمس‌الدین احمدبن محمدبن ابی‌بکر (۱۳۹۱). *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*. محقق: احسان عباس. قم: انتشارات شریف الرضی.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی بن حسین (۱۳۶۳). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*. قم: جامعه مدرسین.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۸). *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*. قم: نشر منشورات الرضی.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷ هـ.ق). *کشف المحجبه*. محقق: محمد حسون. قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.
۹. ابن مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۹). *تجارب الامم*. محقق: امامی، ابوالقاسم. تهران: سروش.
۱۰. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۳۷۴). *الأغانی*. مترجم: مشایخ فریدنی، محمدحسین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. آریان‌پور، امیرحسین (۱۳۸۸). *زمینه جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات گستره.

۱۲. آشوری، داریوش (۱۳۸۰). *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید.
۱۳. انصاری پور، صادق (۱۳۹۴). *مظلومیت شیعه در عصر عباسیان، مجمع جهانی شیعه‌شناسی*. محقق: ابراهیمی، علیرضا. قم: دارالتهدیب.
۱۴. براهنی، رضا (۱۳۶۰). *تکمله‌ای بر تاریخ مذکر. نشریه آرش، ۷(۵)، ۹۶-۱۰۰*.
۱۵. بیانی، شیرین (۱۳۸۶). *جایگاه زن در دستگاه خلافت عباسی و نقش ایرانیان در این جایگاه*. نشریه هستی، ۲۸(۳) و ۲۹، ۱۷-۲۱.
۱۷. بیهقی، ظهیرالدین ابوالحسن علی ابوالقاسم زید (۱۳۵۸). *دره الاخبار و لمعه الانوار*. مصحح: محمد شفیع. تهران: لاهور.
۱۸. ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۴). *حاکمان زن شیعه مذهب در تاریخ ایران (سیده خاتون، ترکان خاتون، جان‌بیگم خاتون)*. نشریه بانوان شیعه، ۶ و ۷، ۴۹-۶۶.
۱۹. جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۹۴). *میزگرد تخصصی آیین‌وند، زن، معرفت تاریخی*. تهران: منتشر شده.
۲۰. جعفری، مرضیه، و محمدی، رضا (۱۳۹۷). *نقش تاشی خاتون در توسعه حرم حضرت احمدبن موسی شاه‌چراغ (ع)*. نشریه علمی-تخصصی رهیافت فرهنگ دینی، ۱۱(۱)، ۸۰-۹۰.
۲۱. حسن‌زاده، عبدالله، و میرعلی، سمیه (۱۳۹۴). *نگاهی به نقش سه زن در تاریخ بیهقی*. نشریه مطالعات انتقادی ادبیات دانشگاه گلستان، ۲(۲)، ۹۷-۱۱۴.
۲۲. خطیب بغدادی، احمدبن علی (۱۴۲۱هـ.ق). *تاریخ بغداد*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۲). *تأثیر مکتب تشیع و زن ایرانی*. نشریه معرفت، ۶۷، ۲۱-۲۹.
۲۴. روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۴). *زمینه فرهنگ‌شناسی*. تهران: عطار.
۲۵. ریاحی، محمدحسین (۱۳۸۵). *نقش بانوان شیعه اصفهان در فرهنگ و تمدن ایران و اسلام*. نشریه زن مسلمان، ۱۰، ۱۹۷-۲۳۶.
۲۶. زهانی معصومه، و حسن‌زاده، مهدی (۱۳۹۳). *بررسی تطبیقی جایگاه زن و ازدواج در دین زرتشتی و فقه امامیه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۸. سبحانی، جعفر (۱۴۱۸هـ.ق). *موسوعه طبقات الفقها*. قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
۲۹. سجادی، صادق (۱۳۶۷). *آل‌بویه، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی*. تهران: انتشارات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

۳۰. سعیدیان جزئی، مریم (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی نقش اجتماعی زنان شیعی و پیامدهای آن در سده نخستین عصر غیبت. نشریه زن و جامعه، ۱۱(۸)، ۱۱۹-۱۴۲.
۳۱. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم (۱۳۹۵). *التحییر فی معجم الکبیر*. محقق: ناجی سالم، منیره. بغداد: ریاسه دیوان الاوقاف.
۳۲. سید مرتضی (۱۴۰۵هـ.ق). *رسائل الشریف المرتضی*. محقق: رجایی، سید مهدی. قم: دارالقرآن الکریم.
۳۳. سیف‌الله، نحوی (۱۳۸۱). *آل‌بویه حامیان فرهنگ تشیع*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۵. شبانکاره‌ای، محمدبن علی (۱۳۸۱). *مجمع‌الانساب*. تهران: بی‌نا.
۳۶. شریفی، لیلا (۱۳۸۹). *بررسی اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آل‌بویه شاخه جبال*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
۳۷. شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن بن علی (۱۴۱۵هـ.ق). *رجال الطوسی*. محقق: قیومی اصفهانی، جواد. قم: انتشارات اسلامی.
۳۸. صدرحاج سیدجوادی، احمد (۱۳۸۳). *دایره‌المعارف تشیع*. تهران: انتشارات حکمت.
۴۰. طبری، محمدابن جریر (۱۳۶۳). *تاریخ طبری*. مترجم: پاینده، ابوالقاسم. تهران: انتشارات اساطیر.
۴۱. طبرسی، حسین‌ابن محمدتقی (۱۴۲۰هـ.ق). *خاتمه مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۴۲. عزیزی، حسین (۱۳۹۴). جایگاه علمی زنان در تاریخ‌نگاری مسلمین. نشریه پژوهش‌های تاریخی، ۱(۵۱)، ۸۵-۱۰۲.
۴۳. عمادزاده، حسین (۱۳۷۵). *تاریخ مفصل اسلام*. تهران: انتشارات اسلام.
۴۵. فقیهی، علی‌اصغر (۱۳۹۰). *تاریخ آل‌بویه*. تهران: سمت.
۴۶. قفطی، علی‌ابن یوسف (۱۳۷۱). *تاریخ الحکما یا اخبار العلما*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۸. قیومی اصفهانی، جواد (۱۳۹۴). *صحیفه المهدی (عج)*. قم: جامعه اسلامی مدرسین حوزه علمیه.
۴۹. کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۸۶). *جستاری نظری در باب تمدن*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۵۰. کاهن، کلود (۱۳۸۳). مقاله آل بویه. مترجم: بحسرانی، علی. نشریه رشد آموزش، ۱۵(۵)، ۲۴ - ۲۹.
۵۱. لانگه، سارا (۱۳۷۲). معیارهایی برای تواناسازی زنان. تهران: روشنگران.
۵۲. لوکاس، هنری (۱۳۸۲). تاریخ تمدن. مترجم: آذرنگ، عبدالحسین. تهران: مؤسسه کیهان.
۵۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۶). بحارالانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۴. مجمل التواریخ و القصص (بی تا). مصحح: بهار، ملک الشعرا. تهران: کلاله خاور.
۵۵. مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۹). اصول و پایه‌های تمدن اسلامی. مترجم: پارسا، محمدصادق. تهران: انتشارات محبان الحسین (ع).
۵۶. مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۶۹). تجارب الامم. مترجم: امامی، ابوالقاسم. تهران: سروش.
۵۷. مفتخری، حسین، و سجادی، فریبرز (۱۳۹۱). مسجد و سیاست در عصر آل بویه. نشریه مطالعات تاریخ فرهنگی، ۴(۴)، ۱۳۳-۱۵۸.
۵۸. موسوی جاجرمی، سیدمرتضی (۱۳۸۷). نقش فقها و متکلمین قرن چهارم هجری در گسترش تشیع در ایران. نشریه پژوهش‌نامه تاریخ، ۱۴(۳)، ۱۵۵-۲۰۰.
۵۹. مؤمن، رقیه سادات، و غروی نایینی، نهله (۱۳۹۵). تعالی علمی بانوان در پرتو سیره علوی. نشریه النهج، ۱(۱۵)، ۱۹-۴۲.
۶۰. میردامادی، مینا سادات (۱۳۹۵). جایگاه و نقش اجتماعی زنان در عصر آل بویه. پایان‌نامه سطح ۳ تاریخ اسلام. مدرسه علمیه مجتهده امین. اصفهان.
۶۱. میرزاقمی، ابوالقاسم‌بن محمدحسن (۱۳۷۱). جامع الشتات فی اجوبه المسائل. محقق: رضوی. تهران: کیهان.
۶۲. نحوی، سیف‌الله (۱۳۸۱). آل بویه حامیان فرهنگ تشیع. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۶۳. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ هـ.ق). مستدرک الوسائل. قم: آل بیت (ع).
۶۴. هربرت، بوسه (۱۳۹۰). ایران در عصر آل بویه. مترجم: انوشه، حسن. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶۵. وطن‌خواه، قدریه (۱۳۹۴). بررسی وضع علوم و آموزش در بغداد روزگار آل بویه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی. تهران.